

۲-۱. انحصار مسئولیت کیفری بین‌المللی به دولت

طرفداران این رویکرد بر این عقیده‌اند که، تنها دولت است که مرتکب جرائم بین‌المللی می‌شود. زیرا قوانین بین‌المللی تنها دولت‌ها را مورد خطاب قرار داده و جرائم مندرج در این قوانین فقط از جانب همین مخاطبان ارتکاب می‌یابد. (الأوجلی، ۱۹۹۷، ص. ۳۷۳) برخی دیگر از طرفداران این رویکرد بر این عقیده‌اند که شخصیت حقوقی دولت‌ها مانعی بر سر راه مسئولیت کیفری آن‌ها نیست. اشخاص حقوقی نیز دارای اراده برای انجام تمامی اقدامات و رفتارهای قانونی هستند و در برابر برخی اقدامات زیان‌بار چه مدنی و چه کیفری مسئول‌اند. چگونه می‌شود مسئولیت مدنی ناشی از خطا را بر دوش دولت‌ها نهاد، اما در اقدامات عمدی و ارادی دولت‌ها، مسئولیت کیفری را نادیده گرفت. (العنانی، ۱۹۹۷، ص. ۱۱۶)

عده‌ای از طرفداران این رویکرد به مخالفت با پذیرش مسئولیت کیفری بین‌المللی اشخاص حقیقی برخاسته‌اند، با این استدلال که یک شخص حقیقی نمی‌تواند هم‌زمان زیر سلطه دو ساختار قانونی داخلی و بین‌المللی قرار گیرد. از طرفی طرفداران این رویکرد بر این باورند که در حال حاضر تحمیل مسئولیت کیفری بین‌المللی به افراد امری بسیار دشوار است، بنابراین دولت به‌تنهایی باید مسئولیت کیفری ناشی از جرائم بین‌المللی را بر دوش کشد. (عوض، ۱۹۶۵، ص. ۳۷۹) این نظر با انتقادهایی روبه‌رو شده است. برخی از مخالفان این نظر بر این عقیده‌اند که پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانند دولت، نقض اصل شخصی بودن مجازات‌ها را به دنبال خواهد داشت. (اشتیاق، ۱۳۸۶، ص. ۳۷) به نظر می‌رسد این رویکرد هر چند همگام با نظریات نوین حقوقی است، اما تا حدی از عدالت به دور است. زیرا محدود نمودن مسئولیت کیفری ناشی از جرائم بین‌المللی نسبت به دولت‌ها به‌تنهایی، باعث گریز اشخاص حقیقی مرتکب این‌گونه جرائم از مجازات خواهد شد. حتی ممکن است باعث از بین رفتن مسئولیت اشخاص حقیقی شود که به نام دولت اقدام کرده یا مشاغل دولتی را بر عهده داشته‌اند. این نکته در واقع مهم‌ترین خطری است که از شناسایی مسئولیت